

کند و کاو در مصاحبه

تلویزیون پارس و آقای سرهنگ صبوری

(قسمت اول)

امیرفیض - حقوقدان

درباره آقای مسعود صدر مصاحبه ای با آقای سرهنگ صبوری یزدی، انجام شده که کنجکاوی نسبت به برخی از موضوعات مطروحه در آن مصاحبه، موضوع این تحریر است.

چوب لای چرخ گذاشتن

زیربنای مصاحبه مزبور استوار بر «چوب لای چرخ نگذاشتن» بود که هم مصاحبه کننده آقای مسعود صدر و هم مصاحبه شونده آقای سرهنگ صبوری سعی داشتند حریم آنرا رعایت کنند و مضمون مفهوم چوب گذاشتن لای چرخ نشوند.

محافظه کار بودن که تقریباً یک عادت عام است یکی از مشخص ترین عوارض ترس است. محافظه کاری، رویه ای است که انسان را در مقابل خطر از دست دادن موقعیت، یا دوست و یا توجه زبان و گرفتاری و امثال آنها انسان را بیمه میکند.

میتوان در ریشه یابی محافظه کاری، به مکتب تشیع باب تقیه رسید که در مشرب ادبی به محافظه کاری تعبیر شده است.

ماهیت این روش، در این مختصر است که شخص نمیخواهد خود را در قطب مخالفت قرار دهد و همواره خود را در موقعیتی معرفی میکند که غرضش مخالفت نیست و نمیخواهد مانع تحقق خواسته‌های طرف شود و به اصطلاح چوب لای چرخ طرف نمیگذارد، و این درحالیست که باتمام قوا چوب لای چرخ حرکت طرف میگذارد ولی ترس و محافظه کاری او را وادار به پنهان شدن در سنگر چوب لای چرخ نگذاشتن میکند.

اصطلاح مزبور یکی از اصطلاحاتی است که مدام در جمهوری اسلامی معمول است دادستان میگوید چوب لای چرخ پرونده اختلاس نگذارید- مصباحی نماینده تهران و رئیس کمیسیون ویژه مدعی شده که قصدش چوب لای چرخ دولت گذاشتن نیست و از سردلسوزی است. درحالیکه می بینیم جدال سختی بین مجلس (بخوانید طویله اسلامی) و دولت وجود دارد. میگویند لاریجانی رئیس مجلس، بیش از هر کسی از عبارات مزبور استفاده کرده است؛ موسوی هم دیگران را متهم به چوب لای چرخش گذاشتن میکند حتی در بین مقامات ورزشی هم این اصطلاح معمول شده است.

بدترین بیماری اجتماعی همین حالت محافظه کاری و ترس است که محافظه کاران آنرا به صیغه اخلاق انسانی در آورده و سنگر حفظ موقعیت خودشان ساخته اند.

واقعیت این است که انسانها در میدان رقابت و تحصیل موقعیت برتر، بطور طبیعی در حالت ایجاد ممانعت برای دیگران و فراهم شدن زمینه برای موفقیت خودشان قرار دارند، در این جریان، انسان شجاع هیچ ابانی در مخفی کاری ندارد و از حقی که قانون و حق طبیعی به او داده استفاده میکند ولی آدم های ترسو و محافظه کار در عین اینکه در جهت دسترسی به حق طبیعی خودشان زیرکانه فعالند ولی از ترس احتمالاتی که منجر به توقف موقعیت آنها بشود، پنهان کاری خودشان را به چوب لای چرخ طرف نگذاشتن تعبیر میکنند.

در یک جامعه مترقی هرکاری و یا حرفی که خلاف قانون باشد باید با مخالفت دیگران و چوب لای چرخ آنها مواجه بشود در شورش ۵۷ اگر جامعه به وظیفه اخلاقی و قانونی خود عمل میکرد و چوب که هیچ آهن لای چرخ خمینی

و افکاراومیگذاشت آیا قابل ایراد بود؟ چرخ فعالیت های ضد قانون را باید شکست، باید خرد کرد، قانون حاصل افکار و خواست محترم مردم است، یعنی چه؟ که ببهانه های نامربوط وبا استفاده از اصطلاح چوب لای چرخ نگذاشتن اجازه تعدی به قانون داده شود، حرکتی که خلاف قانون آغاز میشود حرکت مشروع نیست که حمایت بردار باشد لاجرم چوب که هیچ باهر وسیله ای که ممکن است باید متوقف شود.

یک عرابه ای که بوسیله چند قاطر چموش از مسیرش خارج شده و بطور حتم باعث نابودی عرابه و محموله آن میشود آیا میتوان برای توقف آن که چوب لای چرخ آن گذاشتن است اقدام نکرد؟! البته که یک آدم ترسو نزدیک آن عرابه و قاطرهای سرکش آن نمیشود ولی انسان شجاع در کمال سربلندی عرابه را متوقف میکند.

آیا کشورهای دمکرات جهان با وضع قوانین و مصوبه ها مانع فعالیت های مخالف منافع عمومی نمیشوند و به اصطلاح چوب لای چرخ آنها نمیگذارند؟

مایرانیان بوضع رقت باری گرفتار محافظه کاری هستیم، تلویزیون ها برای اینکه موقعیت خودشان را از دست ندهند و ممر آگهی آنها به نقصان نگراید از رویه نه سیخ بسوزد نه کتاب، از نعل و به میخ، از کجدار و مریز استفاده میکنند و نام آنرا بیطرفی میگذارند آنقدر در این زمینه مهارت یافته اند که محال است انسان بتواند درک کند که مجری برنامه چه عقیده سیاسی را دنبال میکند و سی سال است که در حال تقیه اند.

مولوی در نفی رویه نامطلوب محافظه کاری بیت معروفی دارد:

نسبت اثبات بانفی از روز نخست گریبانش میکنی برگودرست

نفی آن چیز و اثباتش رواست چون جهت شد مختلف، نسبت دوتاست

ایرج میرزا هم ابیاتی دارد که وصف الحال سیاست پیشه هاست:

سیاست پیشه مردم حيله بازند نه مانند من و تو پاکبازند

بهرتغییرشکلی مستعدند گهی مشروطه و گاه مستبدند

(تاریخ اجتماعی جلد ۴)

در کار مبارزه سیاسی همینکه برانسان مسلم شد که حرکت سیاسی طرف، مخالف نص و قانون اساسی است باید متوقفش کرد مجالش نداد <سرچشمه بابیل بتوان گرفت >

نمونه ای ارائه داده میشود که بتکلیف مبارزاتی عمل شده است:

در سال ۱۳۸۲ که آقای دکتر نصر اصفهانی پیشگام طرح همه پرسی برای تعیین نظام سلطنتی شدند درسنگر شماره ۳۹۲+۳۳۲ زیر عنوان داخلی <وظیفه تاریخی ماسلطنت طلبان> نوشته شد:

به حکم تربیت و منش ایرانی، بفرمان تاریخ و هویت ایرانی، ایرانیان باید و وظیفه داریم که دکان لاتاری سلطنت را برای همیشه تعطیل کنیم و دکانداران آنرا تادیب و سرافکننده سازیم..... و در دنباله آن خطاب به آقای نصر اصفهانی نوشته شد:

آقای نصر اصفهانی، متوقف میکنیم.

عمل سرکار و همه آنهانی که سلطنت رابه همه پرسی احاله میکنند خیانت است. آنهم خیانتی که عظمت و آثار نا بخشودنی آن در تاریخ ایران زمین بی سابقه است، تعبیر خیانت، به عمل همه پرسی از سنگر نیست همه حقوقدانان از جمله دکتر مهدی بهار که با سلطنت هم مخالف بود بر مخالفت با همه پرسی سلطنت صحه گذاشته اند (علاقمدان به نظر دکتر مهدی بهار به صفحه ۳۱۹ فرازهای از انقلاب رجوع فرمایند)

آقای نصر اصفهانی - همه آنهانی که رضاشاه دوم را در مسیر لاتاری گذاشتن سلطنت قراردادده اند خیانت کرده اند و همه کسانی که این بار متعفن را به دوش گرفته و به این سو و آن سو میکشند خیانت میکنند، این جریان را باید متوقف کرد و سلطنت طلبان آنرا متوقف خواهند کرد.

(صفحه ۱۲ همان سنگر)

حاشیه = دیدید که سلطنت طلبان حرکت لاتاری گذاشتن نصر اصفهانی را متوقف کردند. سلطنت طلبان به پشتیبانی هویت ایرانی حرکت‌های مخالف باتداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت را سرکوب میکنند. چنانکه توطئه های تجزیه کشور زیرلوای منشور باصطلاح ملی! را متلاشی میکنند و صدای تلاشی آنرا خواهید شنید.

(پایان قسمت اول)